

تفکر زیربنایی شکل‌گیری آرزوهای شغلی در کودکان و نوجوانان

Underlying Thinking of Career Aspiration Formation in Children and Adolescents**Dr. Fatemeh Samii ***

Assistant Professor, Isfahan University

f.samiee@edu.ui.ac.ir

Dr Iran Baghban

Department of Consulting of Isfahan University

Dr. Mohammad Reza Abedi

Department of Consulting of Isfahan University

Dr. Shimin Hosseinian

Al-Zahra University Consulting Department

دکتر فاطمه سمیعی (نویسنده مسئول)

استادیار گروه مشاوره دانشگاه اصفهان

دکتر ایران باغبان

گروه مشاوره دانشگاه اصفهان

دکتر محمدرضا عابدی

گروه مشاوره دانشگاه اصفهان

دکتر سیمین حسینیان

گروه مشاوره دانشگاه الزهرا

چکیده

پژوهش حاضر، با هدف بررسی تفکر زیربنایی شکل‌گیری آرزوهای شغلی در کودکان و نوجوانان انجام شد. روش پژوهش توصیفی بود. نمونه مورد مطالعه شامل ۱۲۰ نفر از دانش‌آموزان شهر اصفهان بودند که به صورت تصادفی مرحله‌ای از بین ۶ ناحیه آموزش و پرورش انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها مصاحبه بود و نتایج آن با استفاده از شاخص‌های آمار توصیفی (فراوانی و درصد) و آمار استنباطی (آزمون مجذور خی) در نرم‌افزار SPSS-22 مورد تحلیل قرار گرفتند. یافته‌های حاصل از مطالعه نشان داد که در تعیین تفکر آرزوهای شغلی چهار عامل زیربنایی و تأثیرگذار اندازه و قدرت، کلیشه‌های جنسیتی، منزلت شغل و خود درونی برای کودکان و نوجوانان نقش داشت ($P < 0/05$). همچنین، خاص شدن تفکر زیربنایی آرزوهای شغلی در آنها وجود داشت، به طوری که مشاغل تخصصی را بیش از مشاغل غیرتخصصی آرزو

Abstract

The aim of the present study was investigating the underlying thinking of career aspiration formation in children and Adolescents. The research method was descriptive. The studied sample consisted of 120 students in Isfahan who were selected by stratified random sampling, among 6 educational districts. Data gathering instrument was interview and the results were analyzed using descriptive statistics (frequency and percentage) and inferential statistics (Chi-square) by SPSS-22 software. Findings of this study showed that in determining the career aspiration thinking, there were four underlying and effective factors such as size and power, gender stereotype, career status and self-esteem for children and teens ($P < 0/05$). Also, there were specialization of the underlying thinking of career aspirations, so that they wished more specialized career than non-specialized one. Medicine as a specialized profession was the first career aspiration

Underlying Thinking of Career Aspiration Formation in Children and Adolescents

for children and teens and then engineering and policeman ($P < 0/05$). Therefore, it can be concluded that there are underlying thinking criteria of career aspiration in children and they need to be strengthened in order to facilitate the development and selection of the future career.

Keywords: Thinking, Career aspiration, Children and Adolescents

کردند. پزشکی به عنوان یک شغل تخصصی اولین آرزوی شغلی کودکان و نوجوانان بود و پس از آن مهندسی و پلیسی قرار داشت ($P < 0/05$). بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که معیارهای تفکر زیربنایی آرزوهای شغلی در کودکان وجود دارد و لازم است جهت سهولت در پیشرفت و انتخاب شغل آینده، تقویت شوند.

واژه‌های کلیدی: تفکر، آرزوهای شغلی، کودکان و نوجوانان

مقدمه

آرزوهای شغلی، اهداف و ایده‌آلهای از پیش تعیین شده‌ای است که افراد به امید دستیابی به آنها تلاش می‌کنند. آرزوهای شغلی از کودکی آغاز و تا نوجوانی و حتی بزرگسالی رشد می‌کنند (گاتفردسون^۱، ۱۹۸۱) و رشد آنها بر پایه تفکر منطقی و استدلال است (ماسن و کیگان^۲، ۱۹۹۰ ترجمه یاسایی، ۱۳۹۵). رشد آرزوهای شغلی براساس نظریه‌ی گاتفردسون مستلزم طی کردن مراحل چهارگانه‌ای است. در هر مرحله، آرزوهای شغلی حول محوری می‌چرخد (گاتفردسون، ۲۰۰۲) و بنظر می‌رسد قالب زیربنایی آرزوها را معلوم می‌کند. قالب مرحله اول، اندازه و قدرت^۳ و بین سه تا پنج سالگی است. محوریت اندازه و قدرت از آنجایی ناشی می‌شود که در این مرحله تفکر منطقی کودکان ضعیف است و در اندیشه آنها تضاد و اشتباه منطقی به چشم می‌خورد. از آنجایی که منطقی کودک تمثیلی است، نمی‌تواند کل را در نظر گیرد و از یک جزء به جزء دیگر می‌رود. او قادر به درک جمع نظرات نیست و چون خودمحور است تفکرش حول ظاهر اشیاء و پدیده‌ها می‌چرخد و سایر جنبه‌ها را در نظر ندارد (هدایتی، ۱۳۹۰). در این مرحله، کودکان مشاغلی مانند راننده، پلیس یا خلبان را آرزو می‌کنند که بواسطه‌ی آن احساس قدرت کنند.

1 - Gottfredson

2 - Mussen & Kagan

3 - size & power

در مرحله‌ی دوم، آرزوهای شغلی حول محور کلیشه‌های جنسیتی^۱ و بین ۶ تا ۸ سالگی است. در اینجا کودکان دوست دارند مطابق جنسیت خود لباس بپوشند و رفتار کنند. آنها فعالیت‌های شغلی را هم از دریچه‌ی زنانه و مردانه بودن نگاه کرده و شغل مطابق با جنسیت خود را آرزو می‌کنند و به وضوح فعالیت‌های شغلی جنس مخالف را طرد می‌نمایند. از آنجایی که کودکان در این مرحله وارد مرحله عملیات عینی می‌گردند، توانایی انجام اعمال منطقی را با امور قابل لمس و عینی پیدا می‌کنند. به عبارت دیگر، علاوه بر رعایت کلیشه‌های جنسیتی در هر دو جنس، مشاغلی جلب توجه می‌کند که عینی باشند. مشاغل عینی دارای ویژگی‌هایی هستند. گروه اول، آنهایی که در آن ابزاری استفاده می‌شود مانند نجاری، بنایی و رانندگی. گروه دوم، مشاغلی که فعالیت‌های حرکتی خاصی دارد، مانند قهرمانان ورزشی. گروه سوم، مشاغلی که در آن نیاز است از لباس یا روپوش خاصی استفاده شود، مانند پلیس، پزشکی و پرستاری. گروه چهارم، مشاغلی که کودکان به طور روزانه با آن سروکار دارند، مانند معلمی و فروشنده‌گی (آرمسترانگ و کرومبای، ۲۰۰۰). مرحله‌ی سوم، از ۹ تا ۱۳ سالگی است و آرزوهای شغلی را به سمت تفکر بر مبنای ارزش‌گذاری اجتماعی^۲ پیش می‌برد. به طوری که نظر دوستان و والدین برای آنها مهم می‌شود. همچنین، بر منزلت و اعتبار شغلی که آرزو می‌کنند تأکید دارند. زیرا، در این فرایند کودکان یاد می‌گیرند که به نقطه نظرات دیگران توجه کنند، به آنها احترام گذاشته، ارزیابی کنند و سپس بهترین‌ها را انتخاب نمایند. از نظر ویگوتسکی، در این سن تعامل بین فرد و اجتماع به صورت کارکردهای شناختی خود را نشان می‌دهد و تبدیل این روابط به کارکردهای ذهنی باعث رشد و تحول در همه زمینه‌های رشدی می‌گردد (هدایتی و شاه‌طالبی، ۱۳۹۲) و رشد شغلی هم یکی از جنبه‌های رشدی است. در نهایت، مرحله‌ی چهارم که از ۱۴ سالگی به بعد است، تفکر آرزوهای شغلی مبتنی بر خود درونی بی‌همتا^۳ است. کودکان به نوجوانی رسیده و تفکر عینی به تفکر انتزاعی تبدیل می‌شود. از آنجایی که نوجوانان بهتر از کودکان می‌توانند اطلاعات پیچیده و انتزاعی را درک کنند، آرزوهای شغلی‌شان به سمت درون‌شان یعنی میزان ارزیابی آنها از توانایی‌ها، شخصیت، استعداد، رغبت، هوش، ظرفیت‌ها، امکانات، فرصت‌ها و تهدیدها هدایت

1 - sex roles

2 - Armstrong & Crombie

3 - social value

4 - self

می‌شود. در واقع، مفهوم درونی سازی، یکی از مفاهیمی است که تغییر و تبدیل روابط اجتماعی به کارکردهای ذهنی را نشان می‌دهد (هدایتی، ۱۳۹۰). بنابراین، می‌توان گفت که تفکر زیربنایی آرزوهای شغلی مفاهیم اندازه و قدرت، کلیشه‌های جنسیتی، ارزش‌گذاری اجتماعی و خود درونی است و هرکدام از مشاغل موجود در جامعه می‌تواند به میزانی دربرگیرنده‌ی هرکدام از مفاهیم چهارگانه‌ی آرزوهای شغلی باشد.

از طرف دیگر، تخصصی نگریستن به مشاغل هم نشان از رشد منطقی و ژرف اندیشی کودکان دارد (هدایتی و زریباف، ۱۳۹۱). یکی از این مشاغل پزشکی است. شغل پزشکی، همواره جزو آرزوهای شغلی کودکان و نوجوانان بوده است (سمیعی، ۱۳۹۶). آرزوهای شغلی کودکان دبستانی و نوجوانان دبیرستانی بیشتر ناشی از تفکر زیربنایی ارزش‌های اجتماعی (کرید، ونگ و هود، ۲۰۰۹) و کلیشه‌های جنسیتی (فیبرگ و بورگاد، ۲۰۱۰) است. پژوهش‌ها نشان داده است که انتخاب مشاغل تخصصی مانند پزشکی برای دانشجویان در درجه اول بخاطر خدمت و کمک‌رسانی، مسایل اقتصادی و ثبات مالی (زازوا، زو، ویدازان و گرلی و پوپ، ۲۰۱۴)، سپس رغبت فردی، اعتبار اجتماعی (آلسوویت، علی، ابراهیم‌اندجانی و همکاران، ۲۰۱۷) تخصص و چالش موجود در این رشته‌ها و آرزوی والدین (سیتارمان و لوگاراج، ۲۰۱۲) بوده است. بنابراین، با توجه به اینکه آرزوهای شغلی در انتخاب شغل آینده نقش دارد و رشد ابعاد زیربنایی آن می‌تواند منجر به کیفیت انتخاب گردد، این پژوهش با محور قراردادن نظریه گاتفردسون، این سؤال را بررسی کرد که تفکر زیربنایی آرزوهای شغلی کودکان و نوجوانان چیست و میزان تخصصی بودن آنها چقدر است؟

روش

روش این پژوهش توصیفی بود.

جامعه، نمونه‌ی آماری و روش نمونه‌گیری

جامعه‌ی مورد مطالعه در پژوهش حاضر، کودکان ۱۱-۵ سال و نوجوانان ۱۸-۱۲ سال شهر اصفهان اعم از دختر و پسر در چهار مقطع پیش‌دبستانی، دبستان، متوسطه اول و متوسطه دوم

1 - Creed, Wong & Hood

2 - Fiebig & Beauregard

3- Zazgyva, Zuh, Voidazan, Gergely & Pop

4 - Al Subai, Ali & IbrahimAndijani

5 - Seetharaman & Logaraj

بودند. حجم نمونه مورد بررسی ۱۲۰ نفر شامل ۵۸ نفر دختر و ۶۲ نفر پسر محاسبه شد. نمونه‌های مورد مطالعه به روش نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای انتخاب شدند. به این صورت که از میان تمام مدارس شش ناحیه‌ی اصلی آموزش و پرورش شهر اصفهان اعم از دولتی و غیر انتفاعی، ۵ مدرسه‌ی دخترانه و ۵ مدرسه‌ی پسرانه به طور کاملاً تصادفی انتخاب شدند و از هر پایه‌ی تحصیلی در یک مدرسه، ۱۰ مورد به شکل تصادفی وارد پژوهش شدند.

ابزار جمع‌آوری اطلاعات و اعتبار ابزار

جهت سنجش آرزوهای شغلی از مصاحبه استفاده شد. زیرا بهترین شیوه برای دستیابی به علایق و آرزوهای یک نفر سؤال از خود فرد در جریان یک مصاحبه است (گاتفردسون و لاپان، ۱۹۹۷). بنابراین، در پژوهش حاضر، از کودکان و نوجوانان سؤال شد که دوست دارند در آینده چه کاره شوند؟ و بعد از نام بردن آرزوی شغلی خود، دلیل آن را هم باید ذکر می‌کردند. در خصوص اعتبار یا پایایی پاسخ‌های کودکان و نوجوانان، تعدادی از شرکت کنندگان یک یا دو هفته بعد از مصاحبه، به تصادف انتخاب شدند و دوباره از آنها سؤال شد که دوست دارند در آینده چه کاره شوند (واتسون، مک‌ماهون، فوکسرافت و الس، ۲۰۱۰) پاسخ دوم دانش‌آموزان با پاسخ اول آنها مقایسه گردید. میزان همبستگی بین دو پاسخ ۰/۷۵ بود.

پاسخ‌های کودکان و نوجوانان در دو قسمت مورد بررسی قرار گرفت. یکی از این قسمت‌ها سطح و نوع آرزوهای شغلی جهت درک تخصصی بودن با نبودن مشاغل بود. مشاغلی را که کودکان و نوجوانان آرزو کردند، توسط پژوهشگر بر اساس پژوهش‌های قبلی (کوکران، وانگ، استونسون، جانسون و کراس، ۲۰۱۱) در چهار حیطه‌ی مشاغل تخصصی، نیمه‌تخصصی، مهارتی و ساده مقوله‌بندی شد. منظور از مشاغل تخصصی آن دسته از مشاغلی است که نیاز به تحصیلات عالی در سطح فوق لیسانس و دکتری دارد. منظور از مشاغل نیمه تخصصی آن دسته از مشاغلی است که نیاز به تحصیلات در سطح فوق دیپلم و لیسانس دارد. منظور از مشاغل مهارتی آن دسته از مشاغلی است که نیاز به تحصیلات عالی ندارد و باید فرد مهارتی را آموزش ببیند و منظور از مشاغل ساده آن دسته از مشاغلی است که نیاز به تحصیلات

1 - Gottfredson & Lapan

2 - Watson, McMahon, Foxcroft & Els

3 - Cochran, Wang, Stevenson, Johnson & Crews

Underlying Thinking of Career Aspiration Formation in Children and Adolescents

ندارد و هرکس می‌تواند آن را انجام دهد (لال، مالهورتا، نث، مالهورتا و اینگل، ۲۰۰۷). لازم به ذکر است که اگر کودکان و نوجوانان چندین شغل را به عنوان آرزوی شغلی نام می‌بردند، جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها شغل اول در نظر گرفته شد.

قسمت دوم، تعیین تفکر زیربنایی آرزوهای شغلی با استفاده از مفاهیم چهارگانه‌ی اندازه و قدرت، کلیشه‌های جنسیتی، منزلت شغل و خود درونی بود که طبق نظر گانفردسون و با استفاده از دلایلی که کودکان و نوجوانان برای آرزوی شغلی خود ذکر کردند، انجام شد. به این صورت که بعد از گفتن آرزوی شغلی، به آنها گفته می‌شد چرا این شغل را انتخاب کردید؟ پاسخی که کودکان و نوجوانان می‌دادند زیر یکی از چهار مفهوم بالا (بزرگی و قدرت شغل، زنانه و مردانه بودن شغل، اعتبار و ارزش شغل یا دوست داشتن و توانایی خودشان) قرار می‌گرفت. داده‌ها با استفاده از آزمون‌های ناپارامتریک مانند آزمون مجذورخی تجزیه و تحلیل گردید.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها در خصوص سطح و نوع آرزوهای شغلی کودکان و نوجوانان در جدول شماره ۱ آمده است.

جدول ۱: سطح و نوع آرزوهای شغلی کودکان و نوجوانان

درصد	کل	پسر	دختر	نوع آرزوی شغلی	سطح آرزوی شغلی
۳۹	۴۷	۱۷	۳۰	پزشکی	تخصصی
۱۶	۱۸	۱۳	۵	مهندسی	
۴	۴	۱	۳	روانشناسی	
۲/۵	۳	۱	۲	استاد دانشگاه	
۰/۵	۱	۰	۱	وکالت	
۲	۳	۱	۲	فضانورد	
۱	۲	۲	۰	مدیر	
۱	۲	۱	۱	فیزیک هسته‌ای	
۱	۲	۲	۰	خلبان	
۱۴	۱۶	۱۵	۱	پلیس	
۵	۵	۱	۴	دبیری	
۱	۲	۰	۲	نقاش	

1 - Lal, Malhotra, Nath, Malhotra, & Ingle

۱	۲	۰	۲	نویسنده	
۵	۵	۱	۴	بازیگر	
۵	۵	۵	۰	فوتبالیست	
۱	۲	۲	۰	بیمانکار	مهارتی
۱	۱	۱	۰	کارگر	ساده
۱۰۰	۱۲۰	۶۱	۵۷	کل	

همانگونه که در جدول ۱ مشاهده می شود، سه شغل تخصصی پزشکی، مهندسی و پلیسی جزو آرزوهای شغلی کودکان و نوجوانان بود. سپس مشاغل نیمه تخصصی دبیری، بازیگری و فوتبالیستی قرار داشت و سه شغل روانشناسی، استاد دانشگاه و فضانوردی در مراحل بعدی قرار داشت.

یافته‌های حاصل از سنجش معنادار بودن سطح تخصصی آرزوهای شغلی کودکان و نوجوانان با استفاده از آزمون مجذور خی تک متغیری در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲: معناداری سطح تخصصی آرزوهای شغلی کودکان و نوجوانان

متغیر	مجذور خی	درجه آزادی	سطح معناداری
سطح و نوع آرزوهای شغلی	۳۴۲/۳۳	۱۸	۰/۰۰۱

همانگونه که در جدول ۲ مشاهده می شود، سطح و نوع آرزوهای شغلی کودکان و نوجوانان به طور کلی معنادار است ($P < 0/05$). به عبارت دیگر، مشاغلی که کودکان و نوجوانان برای شغل آینده خود آرزو کردند از روی شانس و تصادف نبوده و واقعاً آرزوی شغلی آنها بوده است.

یافته‌های حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها در خصوص مفهوم زیربنایی تأثیرگذار در تعیین آرزوهای شغلی کودکان و نوجوانان در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳: مفهوم زیربنایی در تعیین آرزوهای شغلی کودکان و نوجوانان

متغیر	پیش دبستانی	دبستان	متوسطه اول	متوسطه دوم	کل	درصد
اندازه و قدرت	۵	۱۱	۰	۰	۱۶	۱۴

Underlying Thinking of Career Aspiration Formation in Children and Adolescents

۱۱	۱۴	۰	۰	۱۲	۲	کلیشه‌های جنسیتی
۲۳	۲۸	۰	۰	۲۵	۳	منزلت شغل
۵۲	۶۲	۳۰	۳۰	۲	۰	خود درونی
۱۰۰	۱۲۰	۳۰	۳۰	۵۰	۱۰	کل

همانگونه که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، در تعیین آرزوهای شغلی در مقاطع پیش دبستانی و دبستان چهار متغیر اندازه و قدرت، کلیشه‌های جنسیتی، منزلت شغل و خود درونی دخالت داشتند. اما در مقاطع متوسطه اول و دوم فقط خود درونی عامل تعیین کننده آرزوهای شغلی است. از طرف دیگر اندازه و قدرت در مقطع پیش دبستانی بالاتر و در مقطع دبستان کلیشه‌های جنسیتی و منزلت شغل نقش اصلی را بازی می‌کند. معناداری یافته‌های فوق در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴: معناداری مفاهیم زیربنایی آرزوهای شغلی کودکان و نوجوانان

متغیر	مجذور خی	درجه آزادی	سطح معناداری
متغیرهای اصلی آرزوهای شغلی	۴۹/۳۳	۳	۰/۰۱

همانگونه که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، وجود مفاهیم زیربنایی چهارگانه‌ی اندازه و قدرت، کلیشه‌های جنسیتی، منزلت شغل و خود درونی در تعیین آرزوهای شغلی کودکان و نوجوانان معنادار است ($P < 0/05$).

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های حاصل مربوط به تجزیه و تحلیل داده‌ها در خصوص سطح تخصصی بودن و نوع آرزوهای شغلی از کودکی تا نوجوانی نشان داد که شغل تخصصی مانند پزشکی بالاترین آرزوی شغلی کودکان و نوجوانان بوده است و نیز مفاهیم زیربنایی و تأثیرگذار بر آن از کودکی تا نوجوانی به ترتیب اندازه و قدرت، کلیشه‌های جنسیتی، منزلت شغلی و خود درونی بوده است. این یافته‌ها با یافته‌های پژوهش‌های قبلی (لال و همکاران، ۲۰۰۷؛ گاتفردسون و لاپان، ۱۹۹۷ و آلسوبیت و همکاران، ۲۰۱۷) همخوانی دارد. در تبیین یافته‌ها می‌توان گفت که ذهن کودکان بر

اساس فلسفه ورزی پیش می‌رود (هدایتی، ۱۳۹۰). یعنی، ذهن آنچه کودکان بیان می‌کنند براساس پرسشگری و چالشگری است. درک مسایل فلسفی توسط کودکان و نوجوانان امکانپذیر است و تأثیر آن تا بزرگسالی پایدار خواهد ماند. پیازه درک مفاهیم توسط کودکان و نوجوانان را به مراحل تقسیم نموده است. طی کردن موفقیت آمیز این مراحل رشدی، رشد تفکر و منطق را به دنبال دارد. در سال‌های اولیه کودکی و نوجوانانی منطق زیربنایی رویدادهای مهم زندگی شکل می‌گیرد و توسعه می‌یابد (هدایتی، ۱۳۹۰). از آن جمله می‌توان به اشتغال و ازدواج اشاره کرد. از طرف دیگر، آرزوهای شغلی، متغیری است که به اشتغال موفق یا ناموفق مربوط است (رضوانیان و سمیعی، ۱۳۹۵). رشد آرزوهای شغلی، یک تحول شناختی است (سمیعی، باغبان، عابدی و صادقیان، ۱۳۹۰). یعنی احتیاج به رمزگذاری، رمزگشایی، مقایسه، ترکیب، اندوزش، بازیابی و توجه دارد. بتدریج که سن کودکان افزایش می‌یابد، تجارب یادگیری آنها بیشتر و پیچیده شده و منطق آنها از عینی به انتزاعی و از بی‌تجربگی به مهارت می‌رسد. در این راستا، تفکر زیربنایی آرزوهای شغلی هم از مفاهیم ساده و خودمحوارانه مانند اندازه و قدرت به مفاهیم پیچیده و ترکیبی مانند خود درونی صعود می‌کند. وجود مفاهیم در فرآیند آرزوهای شغلی دلیلی بر وجود استدلال و منطق و تغییر آن نشان از رشد تفکر منطقی کودکان و نوجوانان دارد.

به اعتقاد پیازه، تفکر منطقی کودکان در ابتدای کودکی از جامعیت برخوردار نیست و حالتی خودمحوارانه دارد و تصورات شخصی‌شان در استدلال‌شان مؤثر است. بنابراین، در آرزوهایشان به مفهوم اندازه و قدرت اشاره می‌کنند. بتدریج توانایی انجام اعمال منطقی را از راه عینیت نه ذهنیت پیدا می‌کند. یعنی، می‌توانند امور ثابت مانند جنسیت را در تفکرشان وارد نمایند. لذا، در آرزوهای شغلی‌شان کلیشه‌های جنسیتی وارد می‌شود. کم‌کم به گفته‌ی ویگوتسکی زمینه‌ی اجتماعی به صورت کارکردی ذهنی وارد منطق آنها شده و همه چیز را تعامل فرد با محیط تحت تأثیر قرار می‌دهد. لذا، برای کودکان و نوجوانان قضاوت دیگران درباره آرزوهای شغلی‌شان اهمیت می‌یابد. آنها نظر والدین و همسالان را لحاظ کرده و مشاغل با منزلت بالا و تخصصی را آرزو می‌کنند. در مرحله آخر، درونی‌سازی است. کودکانی که به نوجوانی رسیده‌اند، گفتار درونی دارند. گفتار درونی، حرف زدن با خود به نحوی است که به اندیشه و رفتار انسان جهت دهد. این کار پیچیدگی تفکر و توانایی کنترل رفتار را بیشتر می‌کند. در این مرحله نوجوانان، براساس

Underlying Thinking of Career Aspiration Formation in Children and Adolescents

منطق گفتار درونی ویژگی‌های مختلف خود و شرایط محیطی را سنجیده و از برآیند آنها، شغلی را آرزو می‌کنند.

پس می‌توان نتیجه گرفت که آرزوهای شغلی و تغییر آنها دارای فلسفه و منطق زیربنایی هستند و مشاغلی که کودکان و نوجوانان آرزو می‌کنند، ناشی از تأثیر مفاهیم چهارگانه‌ی رشدی از نظر گاتفردسون (اندازه و قدرت، کلیشه‌های جنسیتی، منزلت اجتماعی و خود درونی) می‌باشد. کودکان و نوجوانان به دنبال شغلی هستند که در آن متغیرهای رشد شغلی خود را به منصفی ظهور گذارند و مشاغل تخصصی مانند پزشکی واجد این شرایط هستند. کودکان مشاغل تخصصی را انتخاب کردند، زیرا احساس می‌کردند که در این شغل، قدرتی نهفته است، شغلی مطابق جنسیت آنها و دارای جایگاه بالایی است و چون تفکر کودکان عینی است، به دنبال ملاک‌های عینی برای مشاغل هستند. ملاک‌های عینی برخی از مشاغل مانند پزشکی داشتن روپوش، ابزار و فعالیت است که در این شغل صورت می‌گیرد. همچنین دلیل گرایش نوجوانان به مشاغل تخصصی این است که نوجوانان به دنبال شغلی هستند که متغیر رشدی منزلت را در آن ببینند. از این رو، در آرزوهای شغلی خود به دنبال منزلت اجتماعی شغل و نیز توانایی فردی خود و عدم احساس مانعی برای رسیدن به آن هستند. از طرف دیگر، برای نوجوانان، هم ملاک‌های عینی سطح بالا مانند میزان درآمد شغل و هم ملاک‌های انتزاعی مانند اعتبار و ارزش اجتماعی بالا اهمیت دارد.

بنابراین، می‌توان گفت که رشد و تحول آرزوهای شغلی کودکان و نوجوانان دارای تفکر و منطق زیربنایی است. به گفته‌ی هدایتی و زیریاف (۱۳۹۱) ژرف‌اندیشی و توجه به پرورش زیربناها بجای سطحی‌نگری به بالندگی و رشد بیشتر کمک خواهد کرد. لذا، پیشنهاد می‌شود والدین و معلمان به مراحل رشد آرزوهای شغلی کودکان و نوجوانان خود و مفهوم زیربنایی هر مرحله توجه کنند و سعی نمایند در هر مرحله آنها را با مشاغل بیشتری که دربرگیرنده‌ی آن مفهوم است، آشنا سازند. برای گذر از هر مرحله عجله نکنند و با صبر و حوصله کودک و نوجوان خود را یاری دهند تا به آرزوهای شغلی بالاتری دست یابد. به کودکان و نوجوانان فرصت داده شود تا بتدریج و به مرور زمان شایستگی و صلاحیت خود برای رسیدن به یک شغل و نیز آینده جایگاه شغلی خود را بدست آورند و به آنها کمک شود تا با آموزش منطق درستی را برای رویدادهای مهم زندگی‌شان مانند انتخاب شغل و انتخاب همسر پایه‌ریزی کنند.

منابع

رضوانیان، فاطمه و سمیعی، فاطمه. (۱۳۹۵). موفقیت شغلی عینی و ذهنی: نقش آرزوهای شغلی، شخصیت و معنویت، *مشاوره کاربردی*، ۶(۱): ۲۳-۳۶.

سمیعی، فاطمه. (۱۳۹۶). آرزوهای شغلی از رؤیا تا واقعیت، اصفهان: دانشگاه اصفهان.

سمیعی، فاطمه؛ باغبان، ایران؛ عابدی، محمدرضا و صادقیان، علیرضا. (۱۳۹۱). بررسی فرآیند شناختی تحول آرزوهای شغلی در کودکان، *شناخت اجتماعی*، ۲۱(۲): ۸۰-۶۹.

ماسن، پاول هنری و کیگان، جروم. (۱۳۹۵). رشد و شخصیت کودک، ترجمه مهشید یاسایی. تهران: مرکز.

هدایتی، مهرانوش. (۱۳۹۰). روانشناسی رشد شناختی و فلسفه‌ورزی در کودکان، قابل دسترس در:

http://www.ettelaathekmatvamarefat.com/new/index.php?option=com_content&view=article&id=426:1390-09-05-07-07-58&Itemid=34

هدایتی، مهرانوش و شاه‌طالبی، اکرم. (۱۳۹۲). تأثیر گفتاشنود منطقی در حلقه‌های کندوکاو فلسفی در کاهش نشانه‌های

اختلالات روان‌تنی دانش‌آموزان دختر ۱۱ تا ۱۲ سال شهر تهران، *دو فصلنامه تفکر و کودک*، ۴(۸): ۱۰۱-۱۱۶.

هدایتی، مهرانوش و زریباف، مژگان. (۱۳۹۱). پرورش هوش معنوی از طریق برنامه فلسفه برای کودکان، *دو فصلنامه*

تفکر و کودک، ۳(۱): ۱۶۶-۱۳۵.

AlSubait A, Ali, A, IbrahimAndijani, A, AliAltuwajjry, M, MohammedAlgarni, S, SaadAlduhaimi, T, MohammedAlotaibi, Y, & ElMetwally, A. (2017). Factors influencing the career choices among Medical University students of King Saub bin Abdulaziz University, Riyadh Saudi Arabia; A cross-sectional study design. *The Saudi Journal for Dental Research*, 8, 212-218.

Armstrong, P. I, & Crombie, G. (2000). Compromises in adolescent's occupational aspirations and expectations from grades 8 to 10. *Journal of vocational Behavior*, 56, 82-98.

Article I. Cochran, D. B, Wang, E. W, Stevenson, S. J, Johnson, E, & Crews, Ch. (2011). Adolescent occupational aspirations: Test of Gottfredson's theory of circumscription and compromise. *The Career Development Quarterly*, 59 (5), 412-427.

Creed, P. A, Wong, O. Y, & Hood, M. (2009). Career decision-making, career barriers and occupational aspirations in Chinese adolescents. *International Journal of Educational Vocational Guidance*, 9(3), 189-203.

Fiebig, N, & Beauregard, E. (2010). Longitudinal change and maternal influence on occupational aspirations of gifted female American and German adolescents. *Journal for the Education of the Gifted*, 34(1), 45-67.

Gottfredson, L. S, & Lapan, R. T. (1997). Assessing gender-based circumscription of occupational aspirations, *Journal of Career Assessment*, 5(4), 419-441.

Gottfredson, L. S. (1981). Circumscription and compromise: A developmental theory of occupational aspirations. *Journal of Counseling Psychology*, 28(6), 545-579.

Gottfredson, L. S. (2002). Gottfredson's theory of circumscription, compromise and self-creation. In D. Brown (Eds.), *Career choice and development* (pp. 85-148). San Francisco: Jossey Bass.

Lal, P, Malhotra, Ch, Nath, A, Malhotra, R, & Ingle, GK. (2007). Career aspirations and apprehensions regarding medical education among first year medical students in Delhi. *Indian Journal of Community Medicine*, 32(3), 217-218.

Seetharaman N, & Logaraj M. (2012). Why become a doctor? Exploring the career aspirations and apprehensions among Interns in South India. *Nat.J.Res.Com.Med*, 1(4), 178-241.

Underlying Thinking of Career Aspiration Formation in Children and Adolescents

- Watson, M, McMahon, M, Foxcroft, C, & Els, C. (2010). Occupational aspirations of low socioeconomic black south African children. *Journal of Career Development*, 37(4), 1-10.
- Zazgyva A, Zuh, S. Gy, Voidazan, S, Gergely, I, & Pop, S.T. (2014). Opinions on medical education, options and career choices of 4th year medical students. *Social and Behavioral Sciences*, 142, 243-247.